

بازکاوی عدم وجوب قرائت سوره کامل بعد از حمد در نماز

محمد امامی*

مریی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۹/۲۴ - تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۸۶/۸/۲۱)

چکیده

یکی از سؤالات مطرح برای مسلمانان نمازگزار، به ویژه پیروان مکتب اهل بیت (ع) در مورد نماز گزاردن، در مسجدالحرام و مسجدالنبی (ص) که به امامت اهل سنت اقامه می‌شود و گاه در آن سوره کامل خوانده نمی‌شود، این است که آیا در دو رکعت اول آن، خواندن یک سوره کامل بعد از حمد واجب است و اخلاص به آن بطلان نماز را موجب می‌شود یا خیر؟ در این مقاله بر اساس روایات پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به موضوع پرداخته شده است. به طوری که، ابتدا با اشاره به اتفاق نظر فقهای مذاهب مختلف مبنی بر عدم وجوب قرائت یک سوره کامل در دو رکعت اول بعد از فاتحة الكتاب به هنگام ضرورت، بیماری، عجله و نیز در نمازهای نافله، سپس بیان نظر فقهای مذاهب در مورد لزوم تکمیل سوره در نماز واجب در شرایط عادی، و نقد و بررسی آن و در خاتمه دیدگاه مؤلف مبنی بر واجب نبودن سوره، با توجه به روایات و سایر دلایل مربوط، مطرح شده است.

کلید واژه‌ها: قرائت، سوره، حمد، آیه، نماز.

طرح مسأله

یکی از واجبات نماز قرائت است (نک: علامه حلی، *تحریر الاحکام*، ۳۸/۱؛ *فخرالمحققین*، ۱۰۷/۱؛ *نووی، المجموع*، ۳۳۰/۳؛ *رافعی*، ۳۱۱/۳) که وجوب آن مورد اتفاق فقها (نک: علامه حلی، *تذکرة الفقهاء*، ۱۱۴/۱) و شرط صحت نماز است. گرچه بر اساس

نص (نک: کلینی، ۳/۳۴۷) و فتوی رکن نیست (نک: فخرالمحققین، ۱/۱۰۷؛ شهید اول، الذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ۳/۲۹۷؛ بحرانی، ۸/۹۰). لکن، تردیدی وجود ندارد که قرائت سوره فاتحه در نماز، لازم است خواه طبق نظر مشهور واجب باشد (نک: علامه حلی، تحریر الاحکام، ۱/۳۸؛ فخرالمحققین، ۱/۱۰۷؛ نووی، المجموع، ۳/۳۶۱) یا شرط صحت آن (نک: شیخ طوسی، الخلاف، ۱/۳۲۷؛ همو، الرسائل العشر، ۱۴۶) یا طبق بعضی دیدگاهها فرض^۱ باشد (نک: شیخ طوسی، المبسوط، ۱/۱۰۵؛ کاشانی، ۱/۱۱۰).

دلایل وجوب فاتحه

قرائت سوره فاتحه در نماز به دلایل ذیل واجب است:

۱. روایات رسیده از پیامبر اکرم (ص) از طریق عامه و خاصه که بین فریقین مشهور و متلقی به قبول است، به این مضمون که فرمود: «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب» (احسائی، ۲/۲۱۸؛ بخاری، ۱/۱۸۴؛ نیشابوری، ۲/۹؛ ابن حنبل، ۵/۳۲۲؛ دارمی، ۱/۲۸۳) و «لا صلاة لمن لا يقرء بفاتحة الكتاب» (نیشابوری، ۲/۹؛ ابی داود، ۱/۱۸۸؛ ترمذی، ۱/۱۵۶؛ نسائی، ۲/۱۳۸).

این روایات در وجوب سوره حمد و صحیح نبودن نماز در صورت فقدان آن ظهور دارد، زیرا «لا» برای نفی جنس است و نماز بدون حمد را اصلاً نماز نمی‌داند نه این که بخواهد کمال آن را نفی کند.

قرآینی برای اثبات این مدعا وجود دارد:

الف - از نظر لغوی، نکره در سیاق نفی، برای نفی ماهیت وضع شده است (نک: ابن هشام، ۱/۲۴۰)، بلکه بعضی آن را نص در نفی جنس می‌دانند

۱. فرض و واجب اغلب به یک معنی به کار می‌روند. چنان که فراهیدی می‌گوید: «الفرض الايجاب» (۲۸/۷) یا گفته شده «الايجاب: الالزام، الاثبات، الفرض» (قلعجی، ۹۶). گاهی هم به معنی سنت یا رکن به کار می‌رود. چنان که در لسان العرب آمده است (نک: ۷/۲۲۰)، اما در محل بحث و از نظر شرعی فرض به همان معنی وجوب است و جز حنفی‌ها، بقیه مذاهب آن دو را به یک معنی شمرده‌اند (نک: حکیم، ۶۸؛ آمدی، ۱/۹۹). حنفی‌ها بین آن دو فرق قائلند و فرض را چیزی می‌دانند که طلب آن از سوی خداوند به طور جزمی با دلیل قطعی ثابت شده، اما وجوب به معنی لازم است (نک: قلعجی، ۴۹۷؛ سعدی، ۲۸۲؛ فاروقی، ۱/۲۸۲؛ جصاص، ۳/۲۳۵؛ آمدی، ۱/۹۹).

(نک: ابن عقیل همدانی، ۳۹۳/۱) و در صورتی می‌توان از این معنی دست برداشت، که قرینه‌ای بر خلاف آن باشد که در محل بحث جود ندارد:

ب - حمل این عبارت از سوی اکثر فقهای مذاهب شیعه و سنی بر معنای لغوی، استفاده وجوب و فتوا بر طبق آن (نک: شیخ طوسی، *الخلافا*، ۳۲۷/۱؛ علامه حلی، *تحریر الاحکام*، ۳۸/۱؛ *فخرالمحققین*، ۱۰۷/۱؛ *نووی*، *المجموع*، ۳۳۰/۳؛ *رافعی*، ۳۱۱/۳):

ج - روایات دیگری که در این زمینه وجود دارد، مثل روایت ابی بصیر در مورد کسی که خواندن آن را فراموش کرده است که حضرت صادق (ع) فرمود: «ان کان لم یرکع فلیعد ام القران» (کلینی، ۳۴۷/۳). حال اگر خواندن فاتحه واجب نبود، اعاده آن نیاز نبود. روایت سماعه نیز به همین مضمون است (نک: شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ۲۴۷/۲).

۲. روایات رسیده از طریق اهل بیت (ع)، مانند روایت محمدبن مسلم که از امام باقر (ع) در مورد کسی که سوره فاتحه را نخواند سؤال شد، حضرت فرمود: «لاصلاة له إلا أن یقرأها فی جهر أو إخفات» (حر عاملی، ۷۳۲/۴). روایت سماعه نیز همین مضمون را دارد (نک: همان).

۳. اجماع تمام علمای امامیه به علاوه مشهور فقهای اهل سنت (نک: شیخ طوسی، *الخلافا*، ۳۲۷/۱؛ علامه حلی، *تحریر الاحکام*، ۳۸/۱؛ *فخرالمحققین*، ۱۰۷/۱؛ *نووی*، *المجموع*، ۳۳۰/۳؛ *رافعی*، ۳۱۱/۳).

در این حکم بین فقهای مذاهب مختلف اسلامی اختلاف چندانی وجود ندارد، اما وجوب تلاوت یک سوره کامل یا اکتفا به کمتر از آن، پس از قرائت سوره فاتحه در رکعت‌های اول و دوم نمازهای واجب روزانه، در این جستار مورد بازکاوی قرار گرفته و موضوعی است که برای پیروان مکتب اهل بیت، به ویژه زائران بیت‌الله الحرام که در نماز جماعت حرمین شریفین شرکت می‌کنند مطرح می‌شود. آنها از این جهت نگرانند که گاه در آنجا در نماز واجب بعد از حمد، سوره‌ای کامل قرائت نمی‌شود. بررسی این موضوع، ضمن مطالعه یک موضوع فقهی با نگاهی نو بر مبنای منابع اسلامی، موجب تقریب مذاهب و از عوامل انسجام اسلامی است.

در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی سوره، اقوال فقها و دلایل آنها بیان شده و در نهایت نویسنده نظر خود و دلایل آن را بر مبنای استدلال به کتاب، سنت و سایر مستندات فقهی بیان کرده است.

مفهوم‌شناسی سوره

در معنای لغوی و منشأ اشتقاق این کلمه اقوال مختلفی وجود دارد. بعضی به دلیل این که سوره قرآن قسمتی از آن را احاطه کرده (نک: طریحی، ۴۵۲/۲) آن را از سور به معنی حصار که یکی از معانی لغوی آن است (نک: فراهیدی، ۲۹۰/۷؛ طریحی، ۴۵۲/۲) دانسته‌اند. بعضی هم چون سوره قرآن به منزله دستواری آیاتی از آن را احاطه کرده است آن را از سوار به معنی دستوار، یعنی النگو (نک: زبیدی، ۲۸۴/۳؛ ابن‌منظور، ۳۸۷/۴؛ حجتی، ۸۳) دانسته‌اند. نظرات دیگری نیز وجود دارد (نک: ابن‌اثیر، ۴۲۸/۲؛ طریحی، ۴۵۲/۲؛ زبیدی، ۲۸۲/۳)، اما در اصطلاح به معنی بخشی از آیات قرآنی است که دارای آغاز و انجامی است (نک: حجتی، ۸۳-۸۴). برخی هم گفته‌اند: سوره بخشی از آیات قرآنی است که میان دو بسمله قرار دارد (نک: سیوطی، ۹۰/۱). به هر حال، دو تعریف فوق قابل جمع هستند و مفهوم دقیق آن در این جستار از اهمیت چندانی برخوردار نیست، زیرا منظور فقها از سوره کاملاً روشن است.

تحریر محل نزاع

برای تبیین بیشتر این بازکاوی، لازم است ابتدا به مسأله‌ای اشاره شود که لزوم یا عدم لزوم قرائت سوره کامل در نماز، در چند فرض قابل تصور است و موضوع این مقاله فقط یکی از آنها است که به علت عدم تطویل، به موارد غیرمربوط اشاره‌ای خواهیم داشت:

۱. قرائت سوره در نمازهای نافله؛
۲. قرائت سوره در حال ضرورت؛
۳. قرائت سوره در ضیق وقت؛
۴. قرائت سوره در حال عجله؛
۵. قرائت سوره در نماز واجب و شرایط طبیعی.

حکم قرائت سوره در موارد چهارگانه اول

در این موارد فقهای مذاهب مختلف فقهی، به عدم وجوب سوره فتوا داده‌اند.

دلایل این حکم

۱. فقهای مذاهب مختلف اجماع دارند که در این موارد خواندن سوره یا یک سوره کامل لازم نیست (نک: علامه حلی، منتهی‌المطلب، ۲۷۲/۱؛ همو، المعتبر، ۱۷۱/۲)؛

همو، *تذکره الفقهاء*، ۱/۱۱۴؛ اردبیلی، ۲/۲۰۱؛ نجفی، ۹/۳۳۶ و ۳۵۰؛ شیخ انصاری، *کتاب الصلاة*، ۱/۵۹۹ و ۶۰۱؛ کاظمی خراسانی، ۲/۸۸؛ طباطبایی یزدی، ۱/۶۴۲؛ نووی، *التهدیب*، ۳/۳۸۵؛ بهوتی، ۱/۴۱۰؛ رعینی، ۲/۲۲۲؛ جزیری، ۱/۲۵۰؛
 ۲. روایات خاصی که در مورد هر یک از موارد یادشده آمده است و به علت عدم مجال، از پرداختن به آنها معذوریم (نک: حر عاملی، ۴/۷۳۴-۷۳۷).

حکم قرائت سوره در نماز واجب و شرایط عادی

موضوع بحث این جستار، کنکاش پیرامون مسأله اکتفا به کمتر از یک سوره کامل بعد از حمد، در نمازهای فریضه یومیه در حالت عادی، اختیار و در وسعت وقت است که در این زمینه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و آرای مذاهب، متفاوت است.

دیدگاه فقهای اهل سنت

شافعیه، مالکیه و حنابله قرائت سوره در نماز واجب و شرایط عادی را مستحب می‌دانند، البته با این تفاوت که به نظر حنابله باید یک آیه مستقل را، که از نظر معنی به قبل و بعد ارتباط ندارد، قرائت کرد (نک: بهوتی، ۱/۴۱۰). شافعیه معتقد است هر مقدار قرائت شود کافی است، اما خواندن یک سوره کامل هر چند کوتاه باشد افضل است (نک: نووی، *المجموع*، ۳/۳۸۵؛ *ممو*، *روضه الطالبین*، ۱/۳۵). مالکیه هم قرائت یک سوره کامل را مستحب می‌دانند (نک: رعینی، ۲/۲۲۲). در این میان بعضی از حنفی‌ها به تخییر بین سوره کامل، یک آیه طولانی یا سه آیه کوتاه قائلند (نک: سمرقندی، ۱/۹۳؛ کاشانی، ۱/۱۶۰؛ جزیری، ۱/۲۵۴) و بعضی مثل سمرقندی آن را واجب می‌شمارند (نک: سمرقندی، ۱/۱۲۹).

نقطه مشترک این نظرات، مطلوبیت قرائت مقداری از آن، بعد از سوره فاتحه است (نک: جزیری، ۱/۲۵۴).

دیدگاه فقهای امامیه

در بین علمای مکتب اهل بیت دو قول وجود دارد:

۱. وجوب تلاوت سوره کامل که قول علامه در *منتهی* (نک: ۱/۲۷۲)، شهید در *دروس* (نک: ۲۸)، فاضل‌هندی در *کشف اللثام* (نک: ۱/۲۱۵)، صاحب *ریاض* (نک: طباطبایی، ۳/۲۸۴) و اکثر علمای معاصر، مثل امام خمینی (نک: ۱/۱۶۵)، اراکی (نک: ۱/۱۷۹)، فاضل (نک: توضیح المسائل، ۱۸۷) و ... (نک: بنی‌هاشمی خمینی، ۱/۵۶۵) است.

۲. عدم وجوب قرائت یک سوره کامل. صاحب مدارک الاحکام می‌گوید: ابن جنید، سلار و شیخ طوسی در نهاییه و محقق حلی در کتاب معتبر قائل به استحباب آن شده‌اند و علامه در منتهی به همین قول تمایل نشان داده است (نک: عاملی، ۳/۳۴۷). فاضل‌هندی می‌گوید: محقق سبزواری در نخیره، محقق کاشانی در مفاتیح، ابن‌ابی‌عقیل و دیلمی نیز آن را پذیرفته‌اند (نک: ۱/۱۲۳).

شیخ طوسی در نهاییه در این مورد می‌گوید: «فمن صلی بالحمد و حدها من غیر عذر کانت صلاته ماضیه و لم یجب علیه اعادتها غیر انه یكون قد ترک الافضل ... و لایجوز الاقتصار علی اقل من الحمد فی حال من الاحوال» (۷۶) و نیز می‌نویسد: «و کذا لک لایجوز ان یقتصر علی بعض سوره و هو یحسن تمامها فمن اقتصر علی بعض و هو متمکن لقرائة جمیعها کانت صلاته ناقصه و ان لم یجب علیه اعادتها» (همان).

در اینجا، شیخ نماز بدون سوره کامل را ناقص می‌داند و در عین حال می‌گوید نیازی به اعاده آن نیست. این جمله، بیانگر مفهوم جمله اول است، که فرمود نماز بدون سوره کامل بعد از فاتحه، ناقص است. پس مراد از نقصان باید ترک افضل باشد. همین نکته را در مبسوط چنین بیان کرده است: «الظاهر من المذهب ان قرائة سوره کامله بعد الحمد فی الفرائض واجبه و ان بعض السوره او اکثرها لایجوز مع الاختیار غیر انه ان قرأ بعض السوره او قرن بین السورتین بعد الحمد لایحکم ببطلان الصلاة» (۱۰۷/۱).

این عبارت مبسوط، صراحت در وجوب دارد. به طوری که، می‌گوید قرائت یک سوره کامل با حمد واجب است و باز تأکید می‌کند که جایز نیست به کمتر از یک سوره اکتفا کرد، لکن اگر آن را ترک کنیم، نماز صحیح است. پس ممکن است مراد شیخ فقط وجوب تکلیفی باشد، نه حکم وضعی. بنابراین، ترک سوره کامل، هر چند به دلیل حکم تکلیفی حرام است، موجب خدشه در نماز نیست، چون حکم وضعی ندارد.

از معاصران نیز زنجانی آن را مستحب می‌داند (نک: بنی‌هاشمی‌خمینی، ۱/۵۶۵). بعضی از علمای معاصر، مثل موسوی‌خویی (نک: منهاج الصالحین، ۱/۱۷۱) و سیستانی (نک: همان، ۱/۲۰۶)، بهجت (نک: جامع المسائل، ۳۶۸)، تبریزی (نک: توضیح المسائل، ۱۷۵) و مکارم خواندن آن را احتیاط واجب دانسته‌اند نه واجب (نک: بنی‌هاشمی‌خمینی، ۱/۵۶۵).

دلایل وجوب سوره کامل

روایات منقول از پیامبر اکرم (ص)

روایاتی مانند روایت سمره که می‌گوید: «كان الرسول (صلى الله عليه وآله) يقرأ في الظهر و الليل اذا يغشى ... و في الصبح اطول من ذلك (ابن حنبل، ۱۰۱/۵) و «كان يقرأ في الظهر و العصر بالسّمَاء ذات البروج و السّمَاء و الطّارِق و نحوهما من السّور» (ابی داود، ۱۸۶/۱؛ ترمذی، ۱۹۰/۱). روایات دیگری نیز به این مضمون وجود دارد که به منظور پرهیز از تطویل بحث از پرداختن به آنها خودداری می‌شود (نک: ابن حنبل، ۳۸۳/۴؛ بخاری، ۱۸۵/۱۴۱۰، ۱؛ نیشابوری، ۳۸/۲؛ بیهقی، سنن بیهقی، ۶۰/۲).

نووی برای وجوب سوره کامل به این روایات و موارد مشابه دیگر استدلال کرده است (نک: المجموع، ۳۸۲/۳) که باید مورد بررسی قرار گیرند.

نقد استدلال به این روایات: ۱. در این روایات دلالتی بر وجوب قرائت یک سوره کامل دیده نمی‌شود و حداکثر چیزی که از آنها استفاده می‌شود، این که این کار مطلوب، مستحب و سنت است. مؤید این مطلب برداشت استحباب توسط بعضی از فقها است (نک: شریف‌زاده، ۱۲۴/۱).

در قبال این روایات، اخبار متعددی مبنی بر اکتفای پیامبر (ص) به بخشی از سوره وجود دارد (نک: بیهقی، سنن بیهقی، ۵۹/۲-۶۰). جمع بین این دو دسته از روایات، حمل دسته اول بر استحباب و کمال نماز است که به این دلیل معمولاً پیامبر (ص) بر آن مداومت داشته است.^۱

روایات منقول از اهل بیت (ع)

این روایات بر سه قسم هستند:

۱. روایات دال بر جواز ترک سوره کامل در حال اضطرار یا عجله. مانند صحیح حلی از امام صادق (ع) که فرمود: «لابأس بان يقرأ الرَّجُلُ في الفريضة بفاتحة الكتاب في الركعتين اذا ما عجلت به حاجة او تخوف شيئاً» (حر عاملی، ۷۳۴/۴).^۲ بعضی از فقها از مفهوم این روایات استفاده کرده‌اند که اکتفا به کمتر از سوره کامل، در حالت عادی جایز نیست (نک: حلی، مختلف الشیعة، ۱۴۵/۲).

۱. این روایات از طریق اهل سنت نقل شده و اکثراً آنها را پذیرفته‌اند، اما اگر بعضی از علمای امامیه در سند آن اشکال کنند، حداقل به عنوان مؤید برای دلیل دوم می‌تواند مطرح باشد.

۲. یعنی اشکال ندارد که اگر انسان به دلیل حاجتی عجله کند یا از چیزی بترسد، در نمازهای واجب، فقط فاتحة الكتاب را بخواند.

نقد استدلال: بنا بر روایات، در صورت عجله، در خواندن سوره بآسی نیست و مفهوم آن وجود بآس در غیر مورد عجله است. حال آن که وجود باس اعم از حرمت و کراهت است و نمی‌توان از آن حرمت را استفاده کرد، بلکه نهی موجود اعم از نهی تحریمی و تنزیهی است. با توجه به اطلاق این روایات، هر نوع عجله‌ای - اعم از امور دنیوی و غیرمهم - را شامل است که این با وجوب سازگاری ندارد.

۲. روایات دال بر وجوب سوره کامل. مانند روایت محمد بن اسماعیل که می‌گوید: «سألته قلت اکون فی طریق مکة فننزل للصلاة فی مواضع فیها الاعراب ایصلی المکتوبة علی الارض فیکرأ أم القرآن وحدها أم یصلی علی الراحلة فیکرأ فاتحة الكتاب و السورة؟ قال: اذا خفت فصل علی الراحلة المکتوبة و غيرها و اذا قرأت الحمد و السورة احب الی و لاری بالذی فعلت بأسأ» (حر عاملی، ۷۳۷/۴). بر اساس این روایت، انسان مخیر است که نماز را سواره و یا حمد و سوره بخواند یا بر روی زمین بایستد، اما فقط حمد را بخواند. استدلال‌کنندگان به این حدیث می‌گویند: انجام نماز در حال سواره موجب از بین رفتن یک رکن نماز، یعنی قیام است و اگر خواندن یک سوره کامل واجب نبود، نباید با تساوی بین ترک سوره و ترک قیام، انسان بین آن دو مخیر شود (نک: حر عاملی، ۷۳۶/۴).

نقد استدلال: الف - راوی می‌گوید: «سألته» و مشخص نیست از چه کسی سؤال شده است؛

ب - ایراد دیگر این است که بر فرض قرائت سوره واجب باشد، سوره با رکن مساوی نیست تا فقدان یکی با دیگری تفاوتی نداشته باشد، بلکه بین رکن و یک جزو صرفاً واجب، تفاوت وجود دارد. پس نمی‌توان گفت انسان بین ترک رکن یا واجب مخیر است. بنابراین، ممکن است اجازه خواندن نماز بر سواره، نه به خاطر امکان خواندن سوره، بلکه به دلیلی دیگر، مانند رسیدن به کاروان باشد و به وجوب سوره ارتباط نداشته باشد؛

ج - اشکال سوم این است که امام (ع) فرمود: نماز را بر روی راحله بخوان و این معلوم نیست به خاطر درک سوره، ولو به قیمت از بین رفتن یک رکن، یعنی قیام باشد، بلکه ممکن است علت آن، خوف از بازماندن از قافله یا خوف از عاملی دیگر باشد و با وجود این احتمالات نمی‌توان حکمی را ثابت کرد.

روایت دیگر از منصور بن حازم است که امام صادق (ع) فرمود: «لاتقرأ فی المکتوبة باقل من سورة و لا باکثر» (همان؛ کلینی، ۳/۳۱۴)، یعنی در نماز واجب، نه کمتر از

یک سوره بخوان و نه بیشتر. این روایت مربوط به محل بحث است و ظاهر آن که نهی است، بر عدم جواز اکتفا به کمتر از یک سوره کامل یا انجام بیش از آن دلالت دارد، زیرا نهی ظهور در حرمت دارد (نک: مظفر، ۱/۹۵).

نقد استدلال: محمدبن عبدالحمید که در سند این روایت است محمدبن عبدالحمید سالم عطار می‌باشد، که از نظر ثقه بودن مورد اختلاف علمای رجال است. نجاشی که گفتار او سرمنشأ پندار ثقه بودن اوست می‌گوید: «محمدبن عبدالحمیدبن سالم العطار ابوجعفر، روی عبدالحمید عن ابی جعفر موسی (ع) و کان ثقتا من اصحاب الکوفیین» (نجاشی، ۲۳۶). بسیاری از دیگر دانشمندان رجال و نیز بعضی فقها این عبارت را دلیل بر ثقه بودن او دانسته‌اند. لکن، یکی از فقها او را ثقه ندانسته است و توثیق موجود در این عبارت را مربوط به پدر او، یعنی سالم عطار می‌داند (نک: موسوی‌خویی، معجم رجال‌الحديث، ۲۲۲/۱۷). بر اساس ظاهر نقل نجاشی، به نظر می‌رسد که دیدگاه این فقیه صحیح باشد. بنابراین، در سند این روایت جای خدشه و حداقل شک و شبهه وجود دارد.

به‌علاوه این روایت باید بر کراهت حمل شود، زیرا متضمن نهی از قرائت کمتر و نیز بیشتر از یک سوره است. در حالی که، اکثر متأخرین جمع بین دو سوره در یک رکعت را مکروه می‌دانند نه حرام (نک: نجفی، ۲۵۴/۹). پس فقره دیگر آن نیز به وحدت سیاق و برای پرهیز از استعمال لفظ مشترک در دو معنی، باید همان حکم را داشته باشد.

به عنوان دلیل حمل نهی از جمع بین دو سوره بر کراهت، می‌توان صحیحه علی‌بن‌یقطین را گفت که وی در مورد جمع بین دو سوره در نماز واجب و مستحب سؤال کرد و حضرت فرمود: «لا بأس» (شیخ طوسی، الاستبصار، ۱/۳۱۷). بعضی از روایات نیز ظهور در کراهت دارد مثل موثقه محمدبن‌علی‌بن‌محبوب از امام باقر (ع) که «انما یکره ان یجمع بین السورتین فی الفریضة، اما النافلة فلا بأس» (کلینی، ۲/۲۱۴) و صحیحه زراره از امام باقر (ع) که «لا تقرن بین السورتین فی الفریضة فی رکعة فانه افضل» (حر عاملی، ۴/۷۴۲) نه صراحت دارد در این که جمع بین دو سوره ترک افضل است نه چیزی دیگر. بنابراین، به قرینه این روایات، باید آنچه را که دارای نهی است و امکان استفاده حرمت از آن هست، بر کراهت حمل کرد. قرینه‌ای دیگر نیز وجود دارد و آن جواز ترک یک سوره به منظور عدول به سوره‌ای دیگر است که این حکم نیز با آنچه از این روایت برداشت کرده‌اند

نمی‌سازد (نک: نراقی، ۲۶۳/۵). به علاوه عموم «فاقرأوا ما تيسر من القرآن» (مدثر/۲۰) و اصل عدم حرمت نیز آن را شامل است.

همچنین روایت علاء، از امام باقر یا صادق (ع) است که می‌گوید: «سألته عن الرَّجُل يقرأ سورتين في الركعة؟ فقال: لا، لكل ركعة سورة» (حر عاملی، ۷۴۱/۴).

نقد استدلال: این روایت، در مقام نهی از خواندن دو سوره بعد از حمد، در یک رکعت است (که در نقد روایت قبل گفته شد باید بر کراهت حمل شود) و در مقام بیان عدم جواز اکتفا به کمتر از آن نیست. بنابراین، به محل بحث ارتباط ندارد.

اشکال دیگر این که ممکن است این روایت در مقام بیان اصل تشریح یک سوره برای هر رکعت باشد (نک: حکیم، ۱۵۰/۶) نه در مقام بیان وجوب یا استحباب (نک: موسوی‌خویی، کتاب الصلاة، ۲۹۴/۳). بنابراین، با وجود این احتمالات، نمی‌توان به استناد آن به بطلان نماز در صورت عدم تکمیل سوره حکم کرد.

دیگر این که چون روایت در استبصار به صورت «لکل رکعة سورة» (شیخ طوسی، ۳۱۴/۱) بدون حرف نفی «لا» آمده، از نظر متن دارای تزلزل است. پس، ظهور در حرمت ندارد، اما در نسخه خطی آن «لا لکل سورة رکعة» (نک: حر عاملی، ۷۴۱/۴) آمده است. بنابراین، نمی‌توان وجوب سوره کامل را برداشت کرد. نسخه رایج آن نیز در منابع عبارت «لا لکل رکعة سورة» است.

۳. روایات دال بر جواز اکتفا به کمتر از یک سوره. این روایات در بحث دلایل عدم وجوب سوره کامل خواهد آمد.

اصل احتیاط

اگر بعد از حمد یک سوره کامل قرائت شود، یقین به فراغ ذمه پیدا می‌شود. در غیر این صورت، در حصول فراغ ذمه شک است. در حالی که، یقین به اشتغال ذمه وجود دارد (نک: طوسی، الخلاف، ۳۳۶/۱) و در صورت یقین به اشتغال ذمه به حکم عقل باید فراغ یقینی حاصل کرد.

نقد دلیل: اصل اشتغال، یک اصل عملی و دلیلی فقاهتی است و در صورتی کارایی دارد که دلیل اجتهادی از قبیل آیات و روایات وجود نداشته باشد. اگر ادله اجتهادی در مورد بحث، وجود داشته باشد نوبت به جریان اصل عملی نمی‌رسد و استدلال به آن پذیرفته نیست و چنانچه دلایل اجتهادی به دلیل تعارض، اجمال و عدم امکان

استفاده حکم از آنها از دور خارج شوند، نوبت به اصول عملیه می‌رسد. لکن، باز در این صورت هم نوبت اصل احتیاط نخواهد بود، زیرا این مسأله از موارد شک در اقل و اکثر ارتباطی است که جای اصل تخییر است. البته به نظر شیخ انصاری مراجعه به تخییر هم در صورت نبودن اطلاقی است که بتوان عدم جزئیت مورد مشکوک را از آن استفاده کرد (نک: شیخ انصاری، ۴۷۶/۲).

دلایل عدم وجوب سوره کامل

دلایل متعددی مبنی بر استناد به عدم وجوب سوره کامل وجود دارد. از جمله:

۱. بعضی از روایات منقول از ائمه (ع) که بر جواز ترک خواندن سوره دلالت دارند. مانند آنچه شیخ طوسی از علی بن رئاب از امام صادق (ع) نقل کرده است که: «سمعتہ یقول ان فاتحة تجوز وحدها فی الفریضة» (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱/۱۵۴: حرعاملی، ۴/۷۳۴) که این روایت به صراحت بر جواز اکتفا به فاتحه به تنهایی در نمازهای واجب دلالت دارد.

۲. روایاتی از ائمه (ع) که در مورد جواز اکتفا به بخشی از سوره رسیده است. مانند خبر علی بن یقظین در مورد شخصی که سوره‌ای را شروع کرده و بعد دچار اشتباه می‌شود. از امام (ع) سؤال شد که آیا آن سوره را رها کند و یک سوره دیگر بخواند؟ یا آن قسمتی را که نمی‌داند رها کند و بقیه سوره را ادامه دهد؟ امام (ع) فرمود: «کل ذلک لا بأس به و ان قرأ آية واحدة فشاء ان یرکع بها رکع» (همان، ۴/۷۳۴). یعنی همه این‌ها درست است. سپس امام به صورت کلی می‌فرماید: هر گاه یک آیه بخواند و سپس به رکوع برود اشکال ندارد.

در حدیث دیگری نیز آمده است که سلیمان بن ابی‌عبدالله می‌گوید: «صلیت خلف ابی‌جعفر (علیه السلام) فقرأ بفاتحة الكتاب و آی من البقرة فجاء ابی فسنل فقال یا بنی إنما صنعنا لیفقهکم و یعلمکم» (همان).

در روایت دیگری از ابوبصیر در باره امام صادق (ع) نقل شده است که: «أنه سنل عن السورة أ یصلی بها الرجل فی رکعتین من الفریضة؟ قال نعم إذا کانت ست آیات قرأ بالنصف منها فی الركعة الاولى و النصف الاخر فی الركعة الثانية» (همان).

ظاهر این روایات صحیح، که نمونه‌ای از آنها بیان شد (نک: همو، ۴/۷۳۴) عدم وجوب سوره کامل بعد از حمد است و نمی‌توان در ظهور آنها خدشه کرد. از طرفی

روایاتی وجود داشت که ظاهر در وجوب بود (که البته در بخش قبلی این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفتند و دلالت آنها بر وجوب پذیرفته نشد) و جمع بین این دو دسته حمل آنها بر استحباب است. خوانساری پس از بررسی روایات دال بر وجوب یک سوره کامل، با اشاره به این مطلب می‌گوید: در مقابل اخبار دال بر وجوب، اخبار زیادی است که بر جواز ترک سوره صراحت دارد. چنانچه دلالت آن اخبار بر وجوب تمام باشد، اگر اصحاب از آنها اعراض نکرده بودند، جمع بین این دو دسته اخبار، به این صورت ممکن بود که بر استحباب حمل شود (نک: ۳۴۲/۱). وی در دلالت آنها بر وجوب شک دارد و اگر دلالت آنها را تمام می‌دانست، در صورتی که مخالفت با شهرت پیش نمی‌آمد آنها را بر استحباب حمل می‌کرد.

شریف‌زاده نیز می‌گوید: روایاتی که به آنها بر وجوب استدلال شده است برای اثبات وجوب کافی نیست. از طرف دیگر، دلالت آن چه برای اثبات استحباب یک سوره کامل بعد از حمد، اقامه شده واضح است. لکن، ملاحظه این که پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) عموماً بر اساس آنچه نقل شده، نماز را با سوره کامل می‌خوانده‌اند ما را از فتوی بر خلاف مشهور بازمی‌دارد، وی در ادامه می‌گوید: احتیاط طریق نجات است (نک: ۳۳۶/۱).

علامه مجلسی نیز پس از طرح روایات مختلف مربوط به این باب می‌گوید: اجمالاً قول به عدم وجوب سوره کامل از جهت روایی اقوی است. لکن، احتیاط در عدم ترک سوره کامل است (نک: ۱۲/۸۲).

بنابراین، دلالت روایات بر عدم وجوب، تمام است و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت، ۳. اصل عملی. این که ما شک داریم، آیا بعد از حمد، خواندن سوره‌ای کامل، واجب است یا نه؟ تا وقتی دلیلی قطعی برای اثبات حکمی وجود نداشته باشد، اصل عدم اثبات تکلیف نسبت به آن است. بنابراین، اصل عدم تعیین یک سوره کامل است (نک: عاملی، مدارک الاحکام، ۳/۳۴۸).

نقد این دلیل. این دلیل یک اصل عملی و دلیل فقهاتی است که رتبه آن بعد از دلیل اجتهادی است. در صورتی که دلایل قائلان به وجوب و عدم آن، با هم مساوی باشند و در اثر تعارض تساقط کرده یا مجمل شوند، نوبت اصول عملیه خواهد بود (نک: شیخ انصاری، فرائد الاصول، ۱/۳۰۹). البته همانگونه که گذشت این از باب اقل اکثر ارتباطی و محل تخیر است.

مؤید دلایل فوق رفتار پیامبر اکرم (ص) است که نقل شده در نماز مغرب سوره اعراف را تقسیم کرد و در دو رکعت آن خواند (نک: نسائی، ۱۷۰/۲؛ بیهقی، السنن الکبری، ۳۹۲/۲).

توجیه روایات دال بر عدم وجوب از سوی بعضی از فقها

با وجود تمام بودن سند و دلالت روایات دال بر عدم وجوب، برخی از علما آنها را بر تقیه یا بر حالت ضرورت و عجله یا بر نماز نافله حمل کرده‌اند، حتی وسایل الشیعه آنها را در بابی تحت عنوان جواز اکتفا به حمد فقط یا کمتر از سوره کامل در مورد تقیه جمع آوری کرده است (نک: حرعاملی، ۷۳۴/۴؛ نجفی، ۳۳۶/۹).

نقد و بررسی این توجیه

۱. به نظر می‌رسد حمل بر نافله، عجله و ... که احتمالاً برای پرهیز از مخالفت با مشهور قدما انجام شده است هزینه زیادی را بطلبد، این در حالی است که جمع عرفی بین روایات به گونه‌ای دیگر، که خواهد آمد، میسر است و قرینه‌ای بر تأیید این حمل وجود ندارد، زیرا حمل بر تقیه، فرع بر تعارض بین روایات است و در اینجا چنان که خویی نیز اشاره می‌کند با جمع عرفی، یعنی حمل دسته اول بر استحباب، تعارض از بین می‌رود و جایی برای حمل بر تقیه باقی نمی‌ماند (نک: کتاب الصلاة، ۲۹۹/۳)؛

۲. بزرگانی از علمای شیعه، مانند شیخ طوسی و محقق حلی عدم وجوب را پذیرفته‌اند که این پذیرش می‌تواند مؤیدی باشد بر این که این روایات را نمی‌توان به صرف مخالفت با مشهور، نادیده گرفت؛

۳. توجیه صحیحه علی بن یقظین «اکره و لا بأس به فی النافله» (حر عاملی، ۷۳۷/۴) به دو کار نیاز دارد: الف: مانند بعضی بگوئیم در شرایط تقیه یا ضرورت صادر شده است؛ ب: مراد از اکراه حرمت است (نک: اردبیلی، ۲۰۶/۲) و این کار دشواری است. بنابراین، نمی‌توان با اعتماد به اینها، با دست‌کشیدن از ظهور روایات در جواز، آنها را توجیه کرد؛

۴. مشکل‌تر از آن، توجیه صحیحه اسماعیل بن فضل است که می‌گوید: امام باقر یا امام صادق (ع) امامت جماعت ما را به عهده داشت و سوره فاتحه و آخر سوره مائده را خواند. وقتی سلام داد به سوی ما بازگشت و فرمود: هان! آگاه باشید که

خواستم شما را آموزش دهم.^۱ کاملاً روشن است که چون خواندن سوره کامل مستحب و موجب کمال نماز است، امام (ع) بر آن مداومت داشته است و برای این که مردم گمان نکنند واجب است نیاز بود هم به صورت عملی و هم از روی گفتار، این پندار را دفع کند.

این احادیث را بعضی بر تقیه حمل کرده و از عبارت «اردت ان اعلمکم» برای این توجیه، کمک جسته‌اند، اما این توجیه خلاف ظاهر روایت است، زیرا اگر نگوییم این جمله صراحت دارد، حداقل ظهور در این دارد که امام (ع) خواسته به مردم بفهماند که اکتفا به بعض سوره هم جایز است. به طوری که، در حدیثی دیگر آمده است که سلیمان بن ابی عبد الله می‌گوید: «صلیت خلف ابی جعفر (علیه السلام) فقرأ بفاتحة الكتاب و آی من البقرة فجاء ابی فسئل فقال یا بنی إنما صنع ذا لیفقهکم و یعلمکم» (همان). خلاصه این که روایات این باب چند دسته هستند:

۱. تعدادی بر عدم وجوب سوره کامل بعد از حمد در نماز واجب دلالت دارند یا به طور کلی حمد را کافی می‌دانند؛

۲. تعدادی دارای نهی از نخواندن سوره کامل است؛

۳. تعدادی دال بر عدم وجوب در صورت ضرورت، عجله یا نافله است؛

۴. روایاتی دارای تفصیل است که در نافله ترک سوره اشکال ندارد و در نماز واجب مکروه است. حال در مورد نماز واجب بین دسته اول و دوم تعارض وجود دارد، زیرا دسته اول در عدم وجوب ظهور دارد و دسته دوم متضمن نهی از ترک سوره کامل است. سه راه حل برای جمع بین آنها مطرح شد:

الف - حمل روایات جواز بر تقیه یا بر نمازهای نافله، یا حالت اضطرار که اکثر آن را پذیرفته‌اند و مجمع الفائدة به آن اشاره کرده است (نک: ۲۰۶/۲)، اما این حمل با ظاهر روایات سازگار نیست و توجیه قابل قبولی برای آن نداریم؛

ب - پذیرش آنچه شیخ طوسی فتوی داده است (نک: المبسوط، ۱۰۷/۱؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتوی، ۷۶)، یعنی وجوب تکلیفی سوره کامل بعد از حمد، بدون حکم وضعی. که ترک عمدی آن، هر چند موجب نقص نماز است، لکن، لزوم اعاده را در پی ندارد؛

۱. «صلی بنا ابو عبدالله (علیه السلام) او ابو جعفر، فقرأ بفاتحة الكتاب و آخر سورة المائدة فلما سلم التفت الینا فقال: اما انی اردت ان اعلمکم» (حر عاملی، ۷۳۸/۴).

ج - حمل روایاتی که بر اكمال فریضه و استحباب سوره کامل در وجوب ظهور دارند. این حمل را صاحب مدارک نیز پسندیده است (عاملی، ۳/۳۵۰) و مضمون روایت علی بن یقطين است که امام (ع) فرمود: «اکره و لا بأس به فی النافله» (حر عاملی، ۴/۷۳۱) و نیز نقطه مشترک بین روایات مختلف است. به این ترتیب، جمع دلالی بین روایات میسر می‌شود.

راه حل برگزیده

سومین راه حل، بهترین، بلکه با توجه به اشکالاتی که بر روایات دسته دوم وارد شد و با توجه به عدم امکان ندیده گرفتن ظهور دسته اول در عدم وجوب و نیز فقدان توجیهی برای حمل آنها بر تقیه و مانند آن، تنها راه حل است.

دلایل نظر برگزیده

ضروری است که بدانیم امر در ندب و نهی در کراهت، کاربرد زیادی دارد. موارد این کاربرد به حدی است که بعضی از دانشمندان اصول گفته‌اند صیغه نهی دال بر مطلق مطلوبیت ترک است نه بیش از آن، یعنی حرمت (نک: عاملی جباعی، ۹۴: مظفر، ۱/۶۱). با عنایت به فراوانی کاربرد نهی در کراهت، حمل سه روایت - که دو تای آن غیر صحیح است یا به محل بحث ارتباط ندارد - بر کراهت با وجود قرائن کافی ساده‌تر و از مصادیق جمع عرفی محسوب می‌شود تا حمل روایات صریح در جواز بر نماز نافله و توجیه‌های دیگر.

قرینه‌ای که برای این حمل وجود دارد و در واقع نقطه مشترک بین تمام این روایات است، همان روایات دال بر تفصیل است مثل روایت علی بن یقطين که امام (ع) در مورد تبعیض سوره فرمود: «اکره و لا بأس به فی النافله». در این جا در مورد نماز واجب، کلمه اکره به کار رفته، و بعد در مورد نماز نافله، صریحاً به جواز حکم شده است و نمی‌توان عبارت اکره را بر نمازهای نافله حمل کرد.

قرینه‌ای دیگر روایت منصور بن حازم است که می‌گوید امام صادق (ع) فرمود: «لا تقرأ فی المكتوبة باقلاً من سورة و لا باکثر» (نک: حر عاملی، ۴/۷۳۱: کلینی، ۳/۳۱۴). این روایت باید بر کراهت حمل شود، زیرا متضمن نهی از قرائت کمتر و نیز بیشتر از یک سوره است، در حالی که، اکثر متأخرین جمع بین دو سوره در یک رکعت را مکروه می‌دانند نه حرام (نک: نجفی، ۹/۳۵۴). پس فقره دیگر آن نیز به وحدت سیاق و برای پرهیز از استعمال لفظ مشترک در دو معنی، باید همان حکم را داشته باشد.

قرینه دیگر اشکالاتی است که بر حمل اول وارد بود و مانع از پذیرش آن بود.^۱ قرینه‌ای بعدی، روایات صحیح‌های است که دال بر عدم وجوب بسمله، بعد از سوره حمد و در ابتدای سوره بعد، هستند (نک: همان، ۷۴۸) که آنها را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. وانگهی اگر در مورد بحث سوره کامل را واجب ندانیم، مشکل فهم آن روایت نیز حل می‌شود، چه این که روایات دال بر وجوب بسم الله بر موردی حمل می‌شود که انسان تصمیم دارد بعد از حمد، یک سوره کامل بخواند و روایات عدم وجود بسم الله را، بر موردی حمل می‌کنیم که قصد ندارد یک سوره کامل بخواند. در این صورت، روایات دال بر عدم وجوب بسم الله، نه با روایات وجوب بسم الله تعارض دارد و نه با روایاتی که بسم الله را آیه‌ای از هر سوره می‌دانند منافات دارد. صاحب مدارک الاحکام نیز، که روایات دال بر عدم لزوم بسم الله را تمام دانسته، می‌گوید: «و الحق ان هذه الروایات انما تدل علی عدم وجوب قراءة البسملة عند قراءة السورة و ربما كان الوجه فيه عدم وجوب قراءة السورة» (نک: ۳۴۱/۳).

آخرین قرینه روایاتی است که در بحث قرائت سور عزائم آمده و امام (ع) فرموده است: «اذا بلغ موضع السجدة فلا یقرأها و ان احب ان یرجع فیکراً سورة غیرها و یدع الّتی فیها السجدة فیرجع الی غیرها» (حر عاملی، ۷۷۹/۴)، یعنی وقتی به محل سجده رسید، آن بخش را نخواند و اگر دوست دارد که بازگردد، سوره دیگر بخواند و آن چه را که سجده داشته رها کند. حال امام (ع) فرمود: اگر دلش بخواهد فقط موضع سجده را نخواند که در این صورت سوره ناقص می‌شود و امام بر این کار صحه گذاشته است، پس باید عدم اکمال سوره جایز باشد تا چنین عملی پذیرفته باشد.

نتیجه

نه تنها در نماز نافله و در صورت ضرورت، بلکه در نماز واجب و در شرایط عادی نیز، تکمیل سوره بعد از قرائت حمد واجب نیست و می‌توان به خواندن بخشی از یک سوره، شامل سه آیه، یا به اندازه کوچکترین سوره قرآن، اکتفا کرد و این کار موجب بطلان نماز نیست.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم؛
۲. آمدی، علی بن محمد، *الإحكام فى أصول الأحكام*، مکتب الاسلامی، دمشق، ۱۴۰۲ هـ ق؛
۳. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية فى غريب الحديث*، تحقیق: طاهر احمد زاوی، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴ هـ ش؛
۴. ابن انس، مالک، *المدونة الكبرى*، سعاده، مصر، بی تا؛
۵. ابن حنبل، احمد، *مسند احمد بن حنبل*، دار صادر، بیروت، بی تا؛
۶. ابن عقیل همدانی، بهاء الدین عبدالله، *شرح ابن عقیل*، بی نا، بی جا، بی تا؛
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم. *لسان العرب*، نشر ادب حوزه، قم، ۱۳۶۳ هـ ش، چاپ اول؛
۸. ابن هشام انصاری، جمال الدین، *مغنی اللیب*، مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ هـ ق؛
۹. ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی، *سنن ابی داود*، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۰ م، چاپ اول؛
۱۰. احسائی، ابن ابی جمهور. *غوالی اللالی*، سیدالشهدا، قم، ۱۳۶۲ هـ ش، چاپ اول؛
۱۱. اردبیلی، احمد، *مجمع الفایده و البرهان فی شرح ارشاد الازمان*، تحقیق: اشتهاهدی و عراقی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ هـ ق؛
۱۲. انصاری، مرتضی، *فرائد الاصول*، مؤسسه مطبوعات دینی، قم، ۱۳۸۵ هـ ش، چاپ چهارم؛
۱۳. همو، *کتاب الصلاة*، لجنة التحقیق، مؤسسه باقری، قم، ۱۴۱۵ هـ ق، چاپ اول؛
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح بخاری*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ هـ ق؛
۱۵. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، *توضیح المسائل مراجع*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ هـ ش، چاپ چهارم؛
۱۶. بهوتی، منصور بن یونس، *کشاف القناع*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ هـ ق، چاپ اول؛
۱۷. بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین، *سنن البیهقی*، دار المعرفه لبنان، بی تا، چاپ اول؛
۱۸. همو، *السنن الكبرى*، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشی، بیروت، دار المعرفه بی تا، چاپ اول؛
۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، *سنن الترمذی*، تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ هـ ق؛
۲۰. جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذهب الاربعه*، مکتبه البخاریه الكبرى، قاهره، بی تا، چاپ سوم؛

٢١. جصاص، احمد بن علی رازی، *الفصول فی الاصول*، تحقیق عجل جاسم نمشی، بی نا، بی جا، ١٤٠٥ هـ ق، چاپ اول؛
٢٢. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية* تحقیق: احمد بن عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت، ١٤٠٧ هـ ق، چاپ چهارم؛
٢٣. حجتی، سید محمد باقر، *تاریخ قرآن کریم*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ١٣٧٢ هـ ش؛
٢٤. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعة الی مسایل الشریعة*، مکتبه الاسلامیة، تهران، ١٤٠٣ هـ ق؛
٢٥. حکیم، سید محسن، *مستمسک العروة الوثقی*، مکتبه سید مرعشی، قم، ١٤٠٤ هـ ق؛
٢٦. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر [علامه]، *تحریر الاحکام*، طوس، مشهد، بی تا؛
٢٧. همو، *تذکرة الفقهاء*، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ١٤١٤ هـ ق؛
٢٨. همو، *مختلف الشیعة*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ١٤١٣ هـ ق، چاپ اول؛
٢٩. همو، *منتهی المطلب*، حاج احمد، تبریز، ١٣٣٣ هـ ش؛
٣٠. همو، *نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام*، تحقیق: سید مهدی رجائی، اسماعیلیان، قم، ١٤١٠ هـ ق؛
٣١. حلی، جعفر بن حسن [محقق]، *المعتبر فی شرح المختصر*، مؤسسه سیدالشهدا، بی جا، ١٣٦٤ هـ ش؛
٣٢. حلی، محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر [فخر المحققین]، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، تحقیق: سید حسین موسوی کرمانی و دیگران، مطبعه علمی، قم، ١٣٧٨ هـ ق، چاپ اول؛
٣٣. خوانساری، سید احمد، *جامع المنارک فی شرح المختصر النافع*، مکتبه الصدوق، تهران، ١٣٥٥ هـ ش، چاپ دوم؛
٣٤. دارمی، عبدالله بن بهرام، *سنن الدارمی*، مطبعة الاعتدال، دمشق، بی تا؛
٣٥. رافعی، محمد عبدالکریم، *فتح العزیز فی شرح الوجیز*، دار الفکر، بی جا، بی تا؛
٣٦. رعینی، خطاب، *مواهب الجلیل*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ١٤١٦ هـ ق، چاپ اول؛
٣٧. سجستانی، ابی داود سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، دار الفکر، بیروت، ١٩٩٠ م، چاپ اول؛
٣٨. سعدی، ابو حبیب، *القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً*، دار الفکر، دمشق، ١٤٠٨ هـ ق، چاپ دوم؛

۳۹. سمرقندی، علاءالدین، *تحفة الفقهاء*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۴ هـ ق، چاپ دوم؛
۴۰. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، منشورات الشریف الرضی، بی جا، بی تا؛
۴۱. شریف‌زاده، محمدباقر، *الحاشیة علی کنز العرفان*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۳ هـ ش؛
۴۲. طباطبایی، سیدعلی، *ریاض المسائل*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ هـ ق؛
۴۳. طباطبایی‌یزدی، سیدمحمدکاظم، *العروة الوثقی*، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ سوم؛
۴۴. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تحقیق: سیداحمد حسینی، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، بی جا، ۱۴۰۸؛
۴۵. طوسی، ابی‌جعفر محمدبن حسن، *الاستبصار*، دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۶۳ هـ ش، چاپ چهارم؛
۴۶. همو، تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش، چاپ چهارم؛
۴۷. همو، *الخلاف*، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ هـ ق، چاپ اول؛
۴۸. همو، *الرسائل العشر*، تحقیق: واعظ‌زاده خراسانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ هـ ق؛
۴۹. همو، *المبسوط فی فقه الامامیة*، حیدریه، تهران، ۱۳۸۷ هـ ق؛
۵۰. همو، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتوی*، دار اندلس، بیروت، بی تا؛
۵۱. عاملی، سیدمحمد. *مدارک الاحکام*، مهر، قم، ۱۴۱۰ هـ ق، چاپ اول؛
۵۲. عاملی‌جباعی، حسن‌بن‌زین‌الدین، *معالم الدین و ملازم المجتهدین*، المکتبة العلمیة الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۸ هـ ق؛
۵۳. عسکری، ابوهلال، *معجم الفروق اللغویة*، تحقیق: مؤسسه نشر اسلامی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۲ هـ ق، چاپ اول؛
۵۴. فاروقی، حارث‌سلیمان، *المعجم القانوني*، مکتبہ لبنان، بیروت، ۱۴۱۰ هـ ق، چاپ دوم؛
۵۵. فاضل‌هندی، بهاء‌الدین محمدبن حسن، *کشف اللثام*، مکتبة آیت‌الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ هـ ق؛
۵۶. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. *کتاب العین*، تحقیق: مهدی مخزومی، مؤسسه الهجرة، بی جا، ۱۴۰۹ هـ ق، چاپ دوم؛
۵۷. قلجی، محمد، *معجم لغة الفقهاء*، دار النفاثس، ریاض، ۱۴۰۸ هـ ق، چاپ دوم؛

۵۸. قمی سبزواری، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، پاسدار اسلام، بی جا، بی تا، چاپ اول؛
۵۹. کاشانی، ابوبکر بن مسعود. بدایع الصنائع، مکتبه حبیبیه پاکستان، ۱۴۰۹ هـ ق؛
۶۰. کاظمی خراسانی، محمد علی، کتاب الصلاة من افادات النائنی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۱ هـ ق، چاپ اول؛
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، بی جا، ۱۲۸۸ هـ ق، چاپ اول؛
۶۲. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، المطبعة المرتضویة، نجف، بی تا؛
۶۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م، چاپ دوم؛
۶۴. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، مطابع دار النعمان، نجف، ۱۳۸۶ هـ ق، چاپ چهارم؛
۶۵. مکی، محمد [شہید اول]، الدروس الشرعیة، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ هـ ق، چاپ اول؛
۶۶. همو، الذکری الشیعة فی احکام الشریعة، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۹ هـ ق، چاپ اول؛
۶۷. موسوی خمینی، روح الله [امام خمینی]، تحریر الوسیلة، قدس محمدی، قم، بی تا؛
۶۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، کتاب الصلاة، دار الہدی، قم، ۱۴۱۰ هـ ق، چاپ سوم؛
۶۹. همو، معجم رجال الحدیث. بی نا، بی جا، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ پنجم؛
۷۰. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۶ هـ ق، چاپ اول؛
۷۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش، چاپ سوم؛
۷۲. نراقی، محمد، عوائد الایام، مکتبه بصیری، قم، ۱۴۰۸ هـ ق؛
۷۳. نسائی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، شرح: جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۴۸ هـ ق، چاپ اول؛
۷۴. نووی، محی الدین، روضة الطالبین، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی تا؛
۷۵. همو، المجموع فی شرح المہذب، دارالفکر، بیروت، بی تا؛
۷۶. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، بی تا.